

سنگ‌نوشته به‌جای‌مانده از شاه افشار در کوه‌های کلات، در آستانه ۳۰۰سالگی به ثبت رسید

نادر و کتیبه مهجورش!

سیده‌نعمیه زینبی،کتیبه نادری کلات در فهرست آثار ملی ایران ثبت شد». این خبر که در ۱۳آذر۱۴۰۲منتشر شد، در نگاه نخست نمی‌تواند شگفتی خاصی داشته باشد که بخواهیم دوباره آن را موضوع گزارش کنیم. اما این ثبت که خبرش هفته گذشته منتشر شد، از یک نگاه دیگر می‌تواند عجیب به‌نظر برسد. آنچه پس از این اطلاع‌رسانی ذهن هر خواننده علاقه‌مند به تاریخ را درگیر می‌کند، این است که در بهتی باورنکردنی از خودش بپرسد: «مگر کتیبه نادری ثبت نبود؟» و نقطه اوج این داستان همین است؛ یک کتیبه تاریخی که از سال ۱۱۵۵هجری قمری تا امروز به حیات خودش ادامه داده است. تاکنون به فهرست آثار ملی ایران افزوده نشده بود. در این گزارش تلاش کرده‌ایم ابتدا با روایت تاریخ کتیبه نادری، اهمیت آن را به رخ بکشیم و سپس به سراغ مسئولان میراث‌فرهنگی برویم تا از آن‌ها درباره ثبت این اثر بپرسیم.

کتیبه نادری چیست؟

در زمان حضور نادر، شهر کلات یک موقعیت راهبردی داشت که می‌شد هم در آن خوب جنگید و هم خوب دفاع کرد. کوه‌های بلند، دورتادور این شهر را گرفته و فقط دو راه برای ورود به آن باقی گذاشته بود. هرکه می‌خواست کلات را تصاحب کند، باید از دروازه‌های آن می‌گذشت و این کار به همین سادگی میسر نبود. دریند اغوان شاه یکی از همین تنگه‌ها بود که می‌گویند در گذشته‌های دور، تنها راه ورود به شهر کلات بود؛ یک برج دیده‌بانی قدیمی با نام اغوان شاه، ورودوخروج افراد را کنترل می‌کرد تا بیگانه‌ها شهر را تصاحب نکنند. کتیبه نادری که بر سینه کوهی بلند حک شده است، در این تنگه قرار دارد. کتیبه(با ابعاد یک در ۲٫۵ متر) از زمین حدود پانزده متر فاصله دارد و روی آن ۲۴ بیت شعر به زبان ترکی و فارسی با یک خط نستعلیق خوش، حجاری کرده‌اند. شعرها را شاعری به نام «گلبن» سروده که غیر از این نام، چیزی از او باقی نمانده است و جز اینکه از شاعران دربار نادری بوده است، حرف بیشتری نمی‌توان درباره‌اش گفت. زمان نگاشتن کتیبه که در دوران پادشاهی نادر بوده است، نیز دقیق معلوم نیست. احتمال دارد این کتیبه هم‌زمان با آغاز ساخت دیگر بناهای کلات، بر دیواره کوه حک شده باشد. در منابع تاریخی نوشته‌اند که نادر هنگام برگشت از سفر هندوستان در سال ۱۱۵۲هجری قمری، دستور اجرای چند طرح را در کلات داد و قاسمعلی‌خان جلایر و آقازین‌العابدین معماریاشی و آقامحسن معماریاشی و جمعی دیگر از افراد کارکشته را مأمور این کار کرد. پنج سال بعد نادر به کلات رفت و از بناهایی که دستور ساخت آن را داده بود، بازدید کرد. کتیبه نادری هم در همین فاصله زمانی در دل کوه، زندگی خود را آغاز کرده بود.

کتیبه ای که ناتمام ماند

آن که نیت نادر برای درج کتیبه را اجرا کرده است، باید سینه پرچین‌وشکن کوه را صاف می‌کرده و صیقل می‌داده است تا جایی برای نوشتن اسرار پادشاهی بر آن آماده کند. خدا می‌داند آن زمان چه ابزاری در دست و چه همتی در دل داشته که توانسته است چنین هنری را بر دل کوه اجرا کند اما متأسفانه نتوانسته است آن را به پایان برساند. ماجرا از این قرار است که با به انتها رسیدن زندگی نادر، عمر تلاش برای ساخت کتیبه و دیگر آثار برجای‌مانده در کلات هم به آخر می‌رسد و هر سازه‌ای که در دست ساخت است، مانند نقش‌های کاخ خورشید، نیمه‌تمام می‌ماند. محققان تلاش زیادی کردند که با مقایسه این کتیبه با دیگر نمونه‌های مشابه، اطلاعات بیشتری درباره آن به‌دست بیاورند اما به این نتیجه رسیدند که این سنگ‌نوشته منحصربه‌فرد است و نمی‌توان آن را با کتیبه‌هایی که نادر برای آرامگاه خودش ساخته است یا کتیبه‌های او در حرم مطهر امام‌رضا^(ع) و حرم امام‌علی^(ع) قیاس کرد. این کتیبه نیمه‌تمام با آوردن نام شاعر در آخرین بیت، رها شده است. معمولاً زمانی که شاعر تخلص خودش را درمیان ابیات می‌گنجاند، به معنای پایان سروده‌اش است و می‌توان از آن نتیجه گرفت که کار کتیبه رو به پایان بوده و فقط قرار بوده است نام سازندگان و تاریخ آن ذکر شود که مرگ نادر، آن‌ها را ناکام گذاشته است.

چرا این کتیبه در کلات، حک شده است؟

برپایه شواهد به‌جامانده از آن زمان، نادر قصد داشته است تمام دارایی و تشکیلات شخصی خود را در کلات مستقر کند. کلات برای نادر یک شهر خاص بود و او مدت زیادی از زندگی‌اش را پیش از آنکه تاج شاهی بر سر بگذارد، در این شهر گذرانده بود. کلات برای او تبدیل به وطنی شده بود که نمی‌توانست علاقه‌اش را به آن و آبادانی‌اش پنهان کند. ازسوی دیگر این شهر میان کوه‌ها پنهان شده بود و برای مردان جنگاوری مانند او که می‌خواستند از دست دشمنان دور بمانند، پناهگاهی امن بود. در تاریخ نوشته‌اند که تیمور با هفده بار حمله نتوانست این دژ را فتح کند و آرزویش را با خود به گور برد. ازسوی دیگر کلات هنوز هم برای بلاد اطرافش، نقش یک تفرج‌گاه خوش‌آب‌وهوا را بازی می‌کند. هیچ بعید نیست که طبیعت بکر و هوای خوش این شهر، انگیزه دیگری برای نادرشاه بوده‌است تا آن را برای محل زندگی خود انتخاب کند. او پس از هرسفر، سری به کلات می‌زد و بارها اعلام کرده بود تصمیم بازگشت به این قلعه را دارد. همین رفت‌وآمدها بود که باعث شد نام نادر بر روی آن بماند و این شهر با نام «کلات نادری» شهرت پیدا کند. شاه افشار برای خودش در کلات آرامگاهی بکر پیدا کرد تا نشان بدهد که می‌خواهد ساکن آنجا شود. بدین ترتیب غنائیم و ثروت نادر به کلات سرازیر شد تا وقتی پایه‌های سلطنتش متزلزل شد، در حصار آن آرام بگیرد.او چند شب پیش از مرگش، مضطرب است، معیرالممالک از او دلیل این نگرانی را می‌پرسد و نادر می‌گوید: «اگر تا دوسه روز خود را به قلعه کلات برسانم که در این بین امری واقع نشود، این همه کدورات به فرح و سرور، بدل خواهد شد». با همه آنچه گفته شد، هیچ بعید نیست که نادر می‌خواسته است پس از پایان عمارت‌هایی که ساخته است، به کلات بیاید و عمر مانده را در این شهر بگذراند و در همین شهر هم دفن شود. کتیبه هم انگار منشور دولت او بود که بروردی شهر قرار گرفته بود تا در معرض دید رهگذران باشد. اما آنچه در سر نادر بود، با واقعیت مطابق نیفتاد و کتیبه هم هیچ‌وقت پایان خودش را ندید.

انگیزه نادر از نوشتن این کتیبه چه بود؟

آنچه در دل یکی پنهان است، فقط خدا می‌داند و بس. اگر بخواهیم انگیزه قطعی نادر را از ساخت این کتیبه بدانیم، فقط باید از خود او بپرسیم که چه در سر داشته است. اما از آنجا که این امر غیرممکن است، مجبوریم به آنچه شاه افشار برجای گذاشته است، استناد کنیم. نادر که برای خودش مرتبه و جایگاهی قائل بوده، بدش نمی‌آمده است که به روش پادشاهان بزرگی مانند کوروش و اسکندر و چنگیز و تیمور باشد و خود را ماندگار کند. آن‌ها نیز با نوشتن فتح‌نامه و حک کتیبه‌ها، می‌خواستند جاودانگی را در دل سنگ برای خود به ارمغان بیاورند و چنین کردند. مضامین کتیبه گفته‌شده، دقیق و حساب‌شده است و انگار نادر می‌خواسته است به پرستگری اذهان آیندگان درباره خودش، باورهایش و رؤیاهایش پاسخ بدهد. نادر می‌خواهد خودش را به خاندان تیمور منتسب کند تا ننگ نداشتن اعتبار خانوادگی برای سلطنت را از خود دور کند. ازسوی دیگر اخلاق بیامیزی و دم مسیحایی و چهره‌ای به زیبایی یوسف^(ع) برای خودش متصور بوده که خودش گمان می‌کرده با علم حضرت علی^(ع) و بخشش حاتم طائی و حکمت لقمان، همراه شده است. از آنجا که این کتیبه را گلبن به دستور نادر نوشته است، نباید توقع داشت که چیزی غیر از این باشد؛ البته اگر نادر چندسالی را کمتر زندگی می‌کرد، شاید خاطره خوبی از خودش در ذهن تاریخی ایرانی‌ها ثبت می‌کرد و اکنون محتوای این کتیبه تاریخی به واقعیت نزدیک‌تر بود. اما اکنون این کتیبه ارزشمند تاریخی، بیشتر به باورهای غیرواقعی حاکم افشار درباره خودش اشاره می‌کند و از آن می‌توان انگیزه‌هایی مانند جاودان کردن نام، بیان خدماتش، نشان دادن کفایت و لیاقتش و نمایاندن خط‌مشی سیاسی و دینی او را برداشت کرد.



متن کتیبه نادر

کتیبه نادری سنگ‌نوشته‌ای به زبان ترکی است که در مدخل دریند ارغون شاه کلات و در ملک پدری نادرشاه افشار قرار گرفته است و علاوه‌بر متن، شامل ۲۴بیت شعر نیز هست. اشعار این کتیبه که در سال ۱۱۵۵ تا ۱۱۵۷قمری (۱۱۲۰ تا ۱۱۲۲ خورشیدی) بر روی صخره‌ای بزرگ با ارتفاع پانزده متر از سطح رودخانه نصب شده، متعلق به «گلبن‌افشار» از شاعران دربار نادر است که درباره او اطلاعات زیادی در دست نیست. این اشعار که در ستایش نادر بوده ابتدا با حمد خدا شروع می‌شود و همچون دیگر آثار نادر با مرگ او ناتمام می‌ماند. حکاک این کتیبه کم‌نظیر نیز ناشناخته است.

پرونده‌های تاریخی کلات در حال ثبت است

محمود طغرایبی نخستین فردی است که به‌سراغش می‌رویم. او مسئول ثبت آثار تاریخی و میراث ناملموس اداره‌کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی خراسان‌رضوی است و بهتر از هر فرد دیگری، می‌تواند ما را از جزئیات این خبر آگاه کند. سؤال نخست و اصلی ما از طغرایبی، درباره دلیل به تأخیر افتادن ثبت این اثر مهم است. او در پاسخ، به تعداد زیاد آثار تاریخی خراسان اشاره می‌کند و می‌گوید: به‌مرور آثار تاریخی را در نوبت قرار می‌دهیم و آن‌ها را ثبت می‌کنیم.

این پاسخ اگر چه ما را قانع نمی‌کند، امید حفاظت از آثار ثبت‌نشده خراسان را در دلمان روشن نگه می‌دارد. مسئول ثبت آثار تاریخی خراسان رضوی درباره روند ثبت این اثر نیز توضیح می‌دهد: شناسایی، مستندسازی و حفاظت این کتیبه از گذشته آغاز شده است و فرایند تهیه پرونده ثبتی آن از سال ۱۳۹۹ با تکمیل مستندسازی و گزارش حفاظتی آن به پایان رسید. طغرایبی درباره آثار ثبت‌نشده تاریخی مشابه نیز توضیح می‌دهد: در محدوده کلات نادری، آثار تاریخی بی‌شماری همچون منظر فرهنگی تاریخی کلات را داریم که بیش از ۱۲۰ برج و دیواره سنگی، چندین آسباد و همچنین چندین آب‌انبار را شامل می‌شود و در شرف ثبت ملی است که مقدمه‌ای برای ثبت جهانی این آثار است. بقایای یادگان نظامی و همان عمارت نادری در پهنه روستای خشت و چندین محوطه تاریخی دیگر، جزو آثار ثبت‌شدنی هستند که پس از بررسی تکمیلی، موضوع ثبت نهایی‌شان در استان، مطرح و قرار شده است سایر آثار تاریخی ارزشمند این منطقه نیز ثبت و حفاظت شوند. وی در پایان می‌افزاید: منطقه تاریخی و اسطوره‌ای کلات نادری، از نظر ظرفیت‌های تاریخی، طبیعی و فرهنگ اقوام، بی‌ظنیر است و نیاز است باتوجه به زیرساخت‌های لازم، زمینه رونق گردشگری در شاخه‌های گوناگون آن فراهم شود.



تصویری از ورودی شهر کلات



تصویری از کتیبه نادری- دهه ۴۰ قرن ۱۴ خورشیدی

شناسایی، انتخاب و نظارت بر عملکرد رهبری، نظارت بر بقا و استمرار شرایط رهبر و قانون‌گذاری درباره خود را برعهده دارد. اعضای آن منتخبان مستقیم مردم، از بین کاندیدهای عالم به دین و فقهای متخصص در مسائل فقهی و شرعی انتخاب می‌شوند. برخلاف انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات خیرگان به‌صورت استانی برگزار می‌شود و هر فرد، نماینده یک استان است. نخستین انتخابات مجلس خیرگان، ۳۶ماه پس از همه‌پرسی قانون اساسی برگزار می‌شود. زمان‌رای‌گیری هم‌زمان با انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس و ۱۹و ۱۳۶۱است. با انتخاب نمایندگان منتخب مردم، نخستین مجلس خیرگان در تیر۱۳۶۲کار خود را به‌صورت رسمی آغاز می‌کند. طبق آیین‌نامه، مجلس موظف می‌شود هر سال یک جلسه رسمی برگزار کند که باید در آن جلسه، درباره موضوعات مهم مربوط به حوزه کاری و صلاحیت خود بحث کند. مجلس اول خیرگان علاوه بر تشکیل هشت جلسه سالانه، باتوجه‌به شرایط جامعه، سه جلسه فوق‌العاده نیز برگزار می‌کند. مهم‌ترین و آخرین جلسه فوق‌العاده این مجلس، پس از رحلت امام خمینی^(ع) و برای انتخاب جانشین ایشان برگزار می‌شود که طی آن، حضرت آیت‌ا... خانم‌های برای رهبری انقلاب، انتخاب‌و به‌مردم معرفی می‌شود. این مجلس پس از این انتخاب و واگذاری تعیین صلاحیت نامزدهای انتخابات خودش به شورای نگهبان، در سال۱۳۶۹به کار خود پایان می‌دهد.



مشهدیات

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت

مشهد به روایت «فردوس‌التواریخ» (بخش چهاردهم)

مرضیه تیرابی‌ا در ادامه بحث و بررسی سندرجات کتاب «فردوس‌التواریخ»، به موضوع روایت نام‌گذاری گورستان قتلگاه رسیدیم و گزارش فاضل بسطامی را بررسی کردیم و حاشیه‌ای مختصر بر نوشته‌های وی نگاشتیم. امروز در ادامه سخن، به گزارش جالب «فردوس‌التواریخ» درباره تاریخ زیارت می‌پردازیم. تاریخ زیارت البته وجه مختلف و گوناگونی دارد و آنچه فاضل بسطامی نقل می‌کند، مربوط به جمعیت زائران در ادوار گوناگون تاریخی است. موضوعی که در بسیاری ازمتون، کمتر به آن توجه‌شده‌است. اگر یادتان باشد، ضمن بررسی یادداشت‌های «خانیکوف» درستون مشهدیات، به موضوع تعداد زائران، اشاره و درباره آمار ارائه‌شده ازسوی خانیکوف، مفصل صحبت کردیم. آمار زائران حرم رضوی در دوره‌های مختلف تاریخی، ارتباط مستقیمی با قدرت امرای حاکم بر ایران شرقی داشته‌است؛ به این ترتیب که هر زمان، وضع امنیت مطلوب بود، شمار زائران حرم رضوی نیز افزایش می‌یافت. فاضل بسطامی در کتاب‌خود، ابتدا گزارش «سیدمرتضی» را بررسی می‌کند که شیخ طبرسی در «احتجاج» به آن اشاره کرده‌است؛ «جماعت بسیاری که نمی‌توانم آن‌ها را احصا(شمارش) نمایم [به زیارت حرم رضوی می‌روند]، به من خبر دادند که اهل نیشابور و اطراف و نواحی آن شهر به زیارت حضرت علی‌بن موسی‌الرضا^(ع) مشرف می‌شوند با مال‌های بسیار و تهیه و اسباب که در آن سفر خیر، اثر صرف می‌نمایند با آنکه ایشان انحراف از آن مذهب دارند؛ یعنی شیعه اثنی‌عشری نیستند». آن‌گاه فاضل بسطامی بر صحبت‌های سیدمرتضی می‌افزاید: «جناب سیدمرتضی از آمدن اهل نیشابور به زیارت آن حضرت تعجب می‌فرماید. حال از برکات سلاطین صفویه و قاجاریه -انارا... برهانم- ملاحظه و مشاهده نمایند که این ارض فیض‌قرین از کثرت ورود زائرین از اقصای بلاد ایران و آذربایجان و توران و هندوستان و جمیع بلاد شیعیان و دوستان به مقتضای حدیث فَوْجُ یَنْزِلُ و فَوْجُ یَضَعُ که در حق ملائکه زائرین آن سرور وارد شده، در مقام ظاهر نیز از کثرت ورود زائرین و واردین در آن روضه عرش‌قرین جا و مکان بر ساکنین آن محفل هدایت‌قرین تنگ شده».

- حاشیه‌ای اجمالی بر گزارش فاضل بسطامی

رونق زیارت حرم مطهر، چنان‌که قبلاً هم گفتیم، از زمان شهادت امام‌رضا^(ع) برقرار بود و اصلاً احداث زیرساخت‌های موردنیاز در اطراف حرم رضوی و شکل‌گیری تدریجی مشهدالرضا به همین دلیل رقم خورد. گزارش ابن بطوطه که در اواخر قرن هشتم به مشهد سفر کرده بود، خبر از ساخت بناهای عالی و کثرت زائران حرم رضوی می‌دهد و نیز، ساخت وسازه‌ای گسترده عصر تیموری، به‌ویژه آثار مربوط به دوره شاه‌رخ و بالاخص، مسجد جامع و بزرگ گوه‌رشد، نشان می‌دهد که جمعیت زائران، بسیار زیاد و حضور جمع کثیran‌ها در مشهد، مداوم و پیاپی بوده‌است. نکته جالب توجه این‌است که زائران حرم رضوی، چه در آن روزگار، چه در روزگار فاضل بسطامی و چه در روزگار ما، فقط شامل پیروان مذهب شیعه اثنی‌عشری نبوده‌اند. بسیاری از بناهای حرم رضوی، آن قسمت‌هایی که پیش از دوره صفویه بنا شده‌است، حاصل ارادت گروهی از پیروان مذاهب مختلف اهل سنت به اهل بیت عصمت و طهارت^(ع) است و به دست امراو سلاطین غیرشیعه بنا شده‌است. به همین ترتیب، زائران و حتی مجاوران هم، از مذاهب گوناگون اسلام بوده‌اند و این می‌رساند که وجود مقدس ثامن‌الحجج^(ع)، چه در گذشته و چه در روزگار ما، می‌تواند محوری استوار برای تقویت تقرب بین مذاهب اسلامی باشد.

ادامه دارد....

خبر سوخته

درخواست کسبه تیمچه برای معافی از مالیات

زینبی‌اپس از آنکه شهرداری مشهد در سال ۱۲۸۶ تأسیس شد، اداره شهری به این نهاد سپرده شد. مشهد پس از تبریز و تهران صاحب بلدی‌ه شد تا اوضاع اقدس در ارض اقدس هم رو به بهبود برود؛ شهری که به برکت وجود امام‌رضا^(ع) هر روز بر زائران و مجاورانش افزوده می‌شد و جای خالی نبود خدمات و امکانات شهری، هر روز بیشتر در آن دیده می‌شد. ازسوی دیگر، سازمانی که اداره امور شهر را برعهده گرفته بود، نیاز به درآمد داشت و دریافت عوارض شهرداری درازای خدمات‌دهی، از همان سال‌های ابتدایی تأسیس آن، یکی از پیشنهادهایی بود که مطرح شد؛ البته دریافت عوارض برای خیلی از مشاغل و اماکن، خوشایند نبود و بسیاری از آن‌ها تلاش می‌کردند از زیر بار پرداخت آن شانه خالی کنند. اگر به اسنادی که از بلدی‌ه مشهد برای ما به یادگار مانده است نگاهی بیندازیم، ردپای این نوع درخواست‌ها را می‌بینیم که خواندنش خالی از لطف نیست و در بسیاری از مواقع، نکات زیادی از تاریخ گذشته این شهر را برای ما بازگو می‌کند. در یکی از این نامه‌ها که در ۱۳ بهمن سال ۱۳۱۰ به اداره بلدی‌ه مشهد مقدس نوشته شده، کسبه تیمچه شیخ‌پهلیای کلات ۲۵ حجره داشته‌است. از مسئولان شهری، درخواست معافیت از پرداخت عوارض را کرده‌اند. در نامه کسبه آمده است: «ما سال‌هاست در این محل، مشغول کسب‌وکار بوده و می‌باشیم و تا به حال به هیچ وجه من‌الوجه از طرف اداره محترم، بد اخلاقی نداشته و حایله از طرف اداره عوارضات بازده ماهه مطالبه می‌نمایند، در صورتی‌که در قانون، تیمچه و کاروان سرا مستثنا شده‌است.»

کاسبان تیمچه، یک نفر را استخدام کرده‌اند تا از محل کسب آن‌ها مراقبت کند و به او لقب تیمچه‌دان داده‌اند. تیمچه‌دان از دکان‌های بازار، مراقبت می‌کند و چهار ساعت از شب که می‌گذرد، در تیمچه را می‌بندد و نگهداری این محل نیز برعهده او گذاشته شده‌است و به همین سبب از کسبه آن، هرماه حقوق یا به قول نگارندگان نامه، شهریه ماهیانه دریافت می‌کند و از همین‌رو فکر می‌کنند که نباید از آن‌ها عوارض جداگانه گرفته شود. این تیمچه که مسایه مسجد جامع‌است، مجبور است برف‌هایی را که برف‌انداز این مسجد هر ساله درون محوطه آن می‌ریزد، هم تمیز کند. آن‌ها این برف‌ها را جمع و از محوطه خارج می‌کنند تا مزاحمتی برای عابران نداشته باشند. بازاربان تیمچه همه این توضیحات را می‌نویسند تا ثابت کنند شهروندان خوبی هستند و زحماتی برای اداره بلدی‌ه ندارند و به همین سبب، نیاز به پرداخت عوارض ندارند. آن‌ها در پایان درخواست می‌نویسند: «از مقام محترم استدعا داریم این قسم تحمیلات و عوارضاتی که سابقه ندارد، از ما کسبه زحمت‌کش سلب فرمایند». بلدی‌ه نیز نامه دیگری به انجمن بلدی‌ه مشهد می‌نویسد و درخواست این افراد را برای معاف شدن از عوارض بلدی‌ه، ضمیمه آن می‌کند تا انجمن شهر به درخواست آن‌ها رسیدگی کند. کسب تکلیف شهرداری وقت از انجمن شهر، نیز در نوع خود جالب است تا بدانیم آن زمان چه موضوعاتی را به انجمن شهری می‌فرستادند و وقت نمایندگان شهر برای چه تصمیم‌هایی گذاشته می‌شد.

منابع:

مقاله دکتر

رجبعلی

وثوقی‌مطلق با

موضوع کتیبه

نادری وارزش

تاریخی آن.

سند

نوشت